

بررسی تحلیلی خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

و ارائه راه کارهایی به نظام تعلیم و تربیت کشور

دکتر مهدی سبحانی نژاد / آذر تاجور / سیاوش پورطهماسبی

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد تهران / کارشناس ارشد علوم تربیتی / کارشناس ارشد علوم تربیتی

چکیده

در این مقاله ابتدا جایگاه حضرت زینب علیها السلام در واقعه عظیم عاشورا مورد نظر قرار گرفته و در ادامه، خطبه‌های ارزشمند ایشان معرفی شده‌اند. خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام را می‌توان در رسالت عظیم ایشان یعنی زنده نگه داشتن فلسفه عاشورا به معنای عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و برپا نگه داشتن حق و حقیقت در طول تاریخ دانست. با روشنگری‌های زینب کبری علیها السلام، همگان از حقیقت واقعه عاشورا آگاه شدند، بسیاری از مردم ابراز پشیمانی نمودند، دستگاه اموی رسوا شد و زمینه‌های حرکات نظامی علیه امویان و یزید فراهم گردید. پرچم‌داری حضرت زینب در ابلاغ پیام عاشورا برای جهانیان ثابت کرد که رسالت زنان کمتر از مردان نیست. بر اساس آنچه در این مقاله مورد تأکید قرار گرفته است، محتوای این خطبه‌ها می‌تواند در برنامه تربیتی و نظام آموزش و پرورش کشور به‌ویژه در محتوای کتاب‌های درسی، آموزش معلمان، روش‌های تدریس، حقوق خانواده و ... مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حضرت زینب علیها السلام، عاشورا، تعلیم و تربیت، خطبه، تحلیل، اسلام.

مقدمه

نهضت خونین و جاودانه کربلا از مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می‌رود. ابعاد انقلاب حسینی، از زوایای گوناگون قابل بررسی است. این نهضت که حق را از باطل جدا نمود، از یک سو، تأثیری ژرف بر بیداری مسلمانان گذارد و از سوی دیگر، تبلیغات سوء چندین ساله امویان را نقش بر آب ساخت. در طول تاریخ، انقلاب‌های فراوانی به وقوع پیوسته و افراد بسیاری از خودگذشتگی و فداکاری کرده‌اند، اما با گذشت زمان، از یادها فاصله گرفته‌اند. ولی نهضت عاشورا با مرور زمان، پیوسته در دل‌های مسلمانان، ماندگار شده است.

عاشورا آینه تمام‌نمایی است در صلابت روح، خلوص، عشق و صفای ایمان که زنجیر تعلق را از دست آنان که دل در گرو عشق معبود داشتند گشود و آنها را به راه وصال دوست رهنمون شد. پیام عاشورا، پیام آزادی و آزادگی انسان‌هاست، پیام عشق و پیام زندگی است. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۵۳) یک انسان کربلایی، مرد عقیده و جهاد است، انسانی است که می‌فهمد شهادت چیست، می‌داند که کربلا صحنه یک مصیبت و یک حادثه غم‌انگیز نیست و کربلا ابزار گریه و سینه‌زنی و نوحه و غش و ضعف‌های تکراری در همه عمر نیست. کربلا یک مکتب است، یک مدرسه است، دانشگاه است. آرامگاه نیست، قبرستان نیست، تمدن است و آبادی و خرمی و سرزمین حیات و عشق و حرکت و مسئولیت و شجاعت و آگاهی در تاریخ اسلام. (شریعتی، ۱۳۵۲، ص ۸۹) بدون شک، عقیده بنی‌هاشم، زینب کبری علیها السلام، از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار این نهضت عظیم است که در ماندگاری و جاودانی آن نقشی بی‌بدیل داشته؛ همان بانویی که از نوادر بانوان تاریخ اسلام است و در دامن پُر مهر فاطمه زهرا علیها السلام و مولای متقیان تربیت یافته و درس زندگی آموخته است. (فائدی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۶) زینب علیها السلام به

عنوان پیام‌رسان عاشورا، تنها زنی است که در مقطعی از زمان، به عنوان نایب امام معصوم انجام وظیفه نموده است و در عاشورا رسالتش دشوارتر و سنگین‌تر از رسالت حسین علیه السلام است. بنابراین، انقلاب عاشورا دو چهره دارد: خون و پیام. رسالت نخستین، رسالت حسین و یارانش بود. رسالت دوم، رسالت پیام است؛ پیام شهادت را به گوش دنیا رساندن. این رسالت بر دوش‌های ظریف زینب بود؛ زنی که مردانگی در رکابش رسم جوانمردی آموخت. رسالت زینب دشوارتر و سنگین‌تر از رسالت برادرش حسین است؛ رساندن پیام برادر به جهانیان و فریاد بر سر استعمار و استبداد. «سپاس خداوند را که این همه کرامت و این همه عزت به خاندان ما عطا کرد؛ افتخار نبوت، افتخار شهادت.» (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲-۱۲۳) بنابراین، زینب رسالت رساندن پیام شهیدان زنده، اما خاموش را به دوش گرفته است؛ زیرا پس از شهیدان او به جا مانده است و اوست که باید زبان کسانی باشد که به تیغ جلادان، زبانشان بریده شد. اگر یک خون، پیام نداشته باشد، در تاریخ گنگ می‌ماند. زینب پیام کربلا را به تاریخ بازگفت تا کربلا در تاریخ بماند و کسانی که به این پیام نیازمندند از آن محروم نمانند. رسالت زینب پیامی است به همه نسل‌ها؛ به همه کسانی که بر مرگ حسین می‌گریند و سر خضوع و ایمان بر آستانش فرود آورده‌اند، و زنده نگه داشتن پیام حسین علیه السلام که زندگی چیزی نیست جز عقیده و جهاد. پیام زینب به آنهاست که در هر عصری و در هر نسلی و در هر سرزمینی که آمده‌ای، پیام شهیدان کربلا را بشنو که گفته‌اند: کسانی می‌توانند خوب زندگی کنند که می‌توانند خوب بمیرند؛ کسانی که به پیام توحید و قرآن و به راه علی و خاندان او معتقدند. این خاندانی است که هم هنر خوب زیستن را به بشریت آموخت و هم هنر خوب مردن را. پیام او به همه بشریت این است که اگر دین ندارید، آزادمرد باشید. مسئولیتی بر شما نهاده

است که به عنوان یک انسان دیندار یا انسان آزاده، شاهد زمان خود و شاهد حق و باطلی باشید که در عصر خود درگیر آن هستید؛ چرا که شهیدان ما ناظرند، آگاهند، زنده‌اند و همیشه حاضرند؛ و شرکت زینب به عنوان تعهد در برابر برادر نیست، به عنوان تعهد در برابر خودش و در برابر خداست. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲)

نگاهی اجمالی به زندگانی زینب علیها السلام

در کتاب قاموس اللغة آمده است: اصل کلمه «زینب» همان «زین اب»، یعنی «زینت پدر» است. همه مورخان نوشته‌اند که فرشته والامقام وحی، حضرت جبرائیل، این نام را از سوی خدوند برای او برگزید و چه نیکو انتخابی. آیا تا به حال به این نکته فکر کرده‌اید که اگر این زینت و شرافت پدر، این نمونه بی‌کاستی و آینه تمام نمای مادر و این یار پایدار تزلزل‌ناپذیر برادر نبود، چه اتفاقی در تاریخ اسلام می‌افتاد و چه تغییری در مسیر حرکت اسلام رخ می‌داد؟

حادثه شهادت امام حسین علیه السلام نه تنها فجیع بود و نه تنها مظهر یک فداکاری عظیم و بی‌نظیر است، بلکه از نظر توجیه علل روحی قضیه حادثه‌ای بسیار عجیب است. حادثه عاشورا همچون بسیاری از حقایق این عالم در زمان خودش آنچنان که باید شناخته نشد. فلاسفه تاریخ مدعی‌اند که شاید هیچ حادثه تاریخی را نتوان در زمان خودش آنچنان که هست، ارزیابی کرد. شخصیت‌ها هم همین‌طورند؛ شخصیت‌های بزرگ غالباً در زمان خودشان آن موجی که شایسته وجود آنهاست پیدا نمی‌شود، بعد از مرگشان تدریجاً شخصیتشان بهتر شناخته می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۵۴) از جمله این شخصیت‌های بزرگوار، می‌توان به حضرت زینب و نقش گسترده او در واقعه عاشورا اشاره کرد. چنان‌که حرکت مدنیت‌ساز آن شاه

بیت غزل عشق و عرفان که از پایگاه خانه رسول آغاز می‌شود، پس از شش ماه سیر و سفر، سرانجام در بستری از رنج و درد در پایانه کربلا به بار می‌نشیند. (اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲) طبری می‌نویسد: «ابن سعد، پس از نماز عصر در تاسوعا، ندا داد: ای سپاه خدا! سوار بر مرکب‌های خود شوید، خوشدل باشید. و بدین ترتیب، به سوی حسین علیه السلام حمله برد. حسین علیه السلام بر در خیمه نشسته بود و به شمشیر خویش تکیه داشت و در حال خواب و بیداری سرش پایین افتاده بود. زینب، خواهرش، سر و صدا را شنید و به برادر خود نزدیک شد و گفت: برادر! صداها را که نزدیک می‌شود نمی‌شنوی؟ حسین علیه السلام سر برداشت و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، به من گفت: به سوی ما می‌آیی. زینب علیها السلام به صورت خویش زد و گفت: وای من! حسین علیه السلام گفت: خواهرم، وای از تو، آرام باش، رحمانت رحمت کند.» (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، به نقل از طبری، ج ۷، ص ۳۰۱۱)

دلایلی در کار است که در شب عاشورا آنچنان بر زینب علیها السلام سخت گذشت که بر هیچ‌کس این‌گونه نگذشت و نیز به اندازه‌ای که در این شب به ایشان سخت گذشت، در هیچ موقع دیگری نگذشت؛ چون در روز عاشورا مثل اینکه وضع روحی زینب خیلی قوی بود و با جریان‌هایی، قوی‌تر و نیرومندتر شد. (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۹۶) و شب عاشورا شبی بود با شکوه و عظمت که امام حسین علیه السلام چگونگی پیروزی حق علیه باطل در جهاد فی‌سبیل‌الله را ترسیم نمود. آنچه در شب عاشورای سال ۶۱ هجری گذشت و در تاریخ مضبوط است، هیچ صاحب قلمی را یارای نگاشتن معانی روحانی و معنوی‌اش نیست. در شب عاشورا حسین علیه السلام پس از خواندن نماز مغرب، در میان یاران باوفايش به پاخاست و خطبه‌ای ایراد فرمود و سپس یارانش هرکدام درباره قیام و شهادت سخنانی بر لب آوردند و بعد از آن، هریک غسل شهادت کردند و برای راز و نیاز با خداوند

تبارک و تعالی در گوشه‌ای به نماز ایستادند. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵-۱۴۶) زینب، خواهر باوفای امام حسین علیه السلام که از آغاز حرکت برادر بزرگوارش از مدینه تا کربلا در کنار او بود و هیچ‌گاه چشم از وی بر نمی‌داشت، خطبه آن حضرت در میان جمع یارانش در شب عاشورا را شنید و آنچه را یاران وی بر زبان آوردند به خاطر سپرد و در نیمه‌های شب عاشورا با چشم‌های اشکبار و دلی نورانی به خیمه برادر بزرگوارش رفت و ضمن گفت‌وگو با او، لحظه‌ای بی‌هوش شد. امام حسین علیه السلام با پاشیدن مقداری آب به صورت خواهر مهربانش، با دستان نوازشگرش او را نواخت تا به هوش آمد. آنگاه دست خواهرش زینب علیه السلام را گرفت و به او فرمود: خواهرم! تو اکنون باید با من عهد ببندی و به آن وفادار باشی. زینب قهرمان چشم در چشمان نافذ برادرش دوخت و گفت: با تو عهد می‌بندم و به گفته‌هایت پایبند خواهم بود و آنچه را تو می‌خواهی به منصفه ظهور خواهم رساند.

آنگاه امام حسین علیه السلام فرمود: خواهرم! تو را سوگند می‌دهم و باید به این سوگند رفتار کنی. چون من کشته شدم، گریبان چاک مزین، روی خود را مخراش و واویلا مگو.

زینب قهرمان از بامداد عاشورا با قامتی استوار و گام‌هایی محکم از خیمه‌ای به خیمه‌ای می‌رفت و به دلجویی کاروانیان می‌پرداخت. او ناظر حرکت برادر بزرگوارش بود که چگونه یکه و تنها به مقابل سپاه خصم می‌رود و با صدای رسایش خطبه می‌خواند. پس از آن، می‌دید چگونه یاران باوفای امام عصرش برای جنگ با دشمنان دین خدا بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و راهی میدان نبرد می‌شوند و در جنگی نمایان با خصم، در خاک و خون می‌غلتنند و آنگاه امام علیه السلام بر بالینشان حاضر می‌شود و پیکر مقدسشان را با دستان پرتوانش به کناری می‌برد و

برایشان دست به دعا می‌گشاید. او در ظهر عاشورا مشاهده کرد که حسین علیه السلام با همه درد و رنج و الم در کنار پیکرهای غرقه به خون برخی از یارانش، از تعداد اندکی از دیگر یارانش خواست به نماز جماعت حاضر شوند. زینب قهرمان در وداع آخر برادر بی‌همانندش دید چگونه آن حضرت مشتش را از خون گلولی طفل شیرخوارش "علی اصغر" پر کرد و به آسمان پاشید و گفت: «خداوند! همه این مصیبت‌ها که در محضر تو صورت می‌گیرد بر من آسان است.» (همان، ص ۲۰۳) زینب کوله‌بار اسارت را بر دوش می‌گیرد، پرچم مرجعیت حرکت امت را در بستری از بحران، به اهتزاز درمی‌آورد و بر آن است تا با گذر عزتمندانه از خرابه‌های کاخ اموی، شاعرانه‌ترین غزل عرفان را از بلندای تاریخ برای همگان به ویژه آیندگان ترنم کند. (اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲) زینب، زنی که مردانگی در رکابش جوانمردی آموخت، زنی که تا قیام آغاز شد، شویش را طلاق گفت و فرزندان را به قربانگاه آورد و در مرگشان، هیچ نگفت و آنگاه - زبان علی در کام، رسالت حسین بر دوش و کاروان اسیران در پی، تنها و در بند - همچون صاعقه، بر پایتخت قساوت و بارگاه وحشت، فرود آمد و فریادی برآورد که هزار سال دستگاه‌های تبلیغاتی بنی‌امیه و بنی‌عباس و سلاطین غزنوی و سلجوقی و غزنوی و مغول و تیموری و ایلخانی نتوانستند خاموشش کنند. (شریعتی، ۱۳۵۲، ص ۸۹)

اسم زینب در تاریخ اسلامی ما و تاریخ بشریت، همیشه قرین نام واقعه هولناکی است به نام فاجعه کربلا که به عقیده تمام تاریخ‌نویسان، یکی از بزرگ‌ترین کشتارهای تاریخ اسلام عموماً و بخصوص تاریخ شیعه بوده است. وظیفه حقیقی زینب بعد از فاجعه کربلا شروع شد و آن، وقتی بود که موظف شد از دختران بی‌سرپرست بنی‌هاشم که مردان خود را از دست داده بودند حمایت و

نگهداری نماید. زینب علیها السلام تا پای جان از «زین العابدین»، فرزند حسین علیه السلام دفاع کرد، به نحوی که اگر دفاع جانانه او نبود سر امام سجاد علیه السلام را از تن جدا می‌کردند و با کشته شدن او امروز دیگر کسی از دودمان امام علیه السلام باقی نمانده بود. وظیفه دیگر او این بود که نگذارد خون شهدا به هدر رود. زینب علیها السلام همان کسی است که در تمام این صحنه‌ها حتی یک لحظه هم از نظرها پنهان نبود. او تنها کسی است که مقام جاودانی «بانوی قهرمان کربلا» را در تاریخ احراز نمود. هم او بود که نخستین غریو لشکریان مهاجم را شنید و برادرش حسین را از خواب سبکی که او را فراگرفته بود بیدار کرد. او در کنار بستر بیمار، پرستار بود و در کنار محتضران تسلی بخش آنان و بر سر اجساد شهدا اشک‌ریزان. و سرانجام، هم او بود که از ابتدای جنگ تا پایان آن در کنار حسین علیه السلام دیده شده است. (بنت الشاطی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸) زینب قهرمان از همان عصر عاشورا، پس از شهادت برادر بزرگوارش رسالت خطیر عاشوراییان را برعهده گرفت و کوشش بسیار کرد تا بسان برادر بی‌همانندش هدف مقدس او را به منصف ظهور رساند و به راستی چنین کرد. زینب قهرمان با وجود سختی‌های فراوان و دردهای طاقت‌فرسا، صبر و شکیبایی خویش را از دست نداد و با فداکاری و ایثار در راه اشاعه دین اسلام و فرهنگ شیعی، با مردم کوچه و بازار شهرهای کوفه و دمشق سخن‌های بسیار گفت و با برافکندن نقاب از چهره امویان، تبلیغات ناروای آنان را درباره خاندان پیامبر بر باد داد و حقایق جنگ سپاه کوفه با سپاه اندک برادرش را متذکر شد. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۸۸-۸۷)

کسی که گفتار زینب علیها السلام را شنیده بود نقل می‌کند: به خدا! هرگز پرده‌نشینی را سخن‌پردازتر از او ندیده بودم، گویی که سخنانش از زبان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام خارج می‌گردد. قسم به خدا! هنوز سخنش را به پایان نرسانده بود

که صدای مردم به گریه باز شد و از شدت هول و هراسی که از این سخن جان‌سوز به آنان دست داده بود چنان از خود بی‌خود شدند که آنچه در دست داشتند بر زمین افتاد. (بنت الشاطی، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

القاب حضرت زینب علیها السلام

عظمت و قدرت روحی دختر امیرالمؤمنین علیه السلام در میدان‌های مختلف، سبب گردید که او بخش سنگینی از بار امامت و زعامت پدر و دو برادرش را بر دوش کشد. محدثان و مؤرخان برای آن بانو، القاب گوناگونی ذکر نموده‌اند که هر کدام، نشانگر قوت موضع‌گیری آن بانوی بزرگوار در برابر حوادث و رویدادهای مختلف است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام او را «زینب» یعنی زینت پدر گذارد. دیگر لقب‌های حضرت عبارتند از: عقیله بنی‌هاشم، عقیله الطالبین، عقیله النساء، عقیله قریش، ام‌المصائب، زینب کبری، صدیقه صغری، عالمه غیر معلمه، عارفه، عامله، شریک الحسین، محبوبه مصطفی، زاهده، و باکیه.

رسالت حضرت زینب علیها السلام

در پی واقعه دردناک کربلا، حضرت زینب علیها السلام مسئولیت سنگینی را عهده‌دار گردید؛ زیرا امام حسین علیه السلام پدیدآورنده نهضت بود، ولی ادامه‌دهنده آن خواهرش حضرت زینب علیها السلام بود. اندوه‌های دلخراش آن بانوی بزرگ مانعی بر سر راه ایشان برای رویارویی با دشواری‌ها و ایفای رسالت بزرگش ایجاد نکرد. نهضت عاشورا با شهادت امام حسین علیه السلام به فرجام و هدف پایانی نرسید، بلکه هدایت و رهبری آن به دست با کفایت دختر علی علیه السلام بود. حضرت زینب علیها السلام از

جانب برادر این وظیفه را یافته و امام علیه السلام طی وصایای خود مسائل را به ایشان فرموده بود.

بدین وسیله، در دوران اسارت، دو برنامه محور اصلی فعالیت‌های خاندان رسالت بود: یکی، ایراد خطبه‌ها در بین مردم و دیگر، پرداختن به عزاداری برای شهیدان کربلا. خطبه‌ها متناسب با شرایط هر جا، بیان می‌گردید تا کسانی را که گرفتار تبلیغات سوء امویان شده بودند، بیداری بخشد. اکنون حضرت زینب علیه السلام و کاروان او، سازمان تبلیغ امام حسین علیه السلام هستند و سرنوشت نهضت به دست آنها قرار گرفته است.

حضرت زینب علیه السلام در کنار بدن مقدس امام حسین علیه السلام، رو به سوی مدینه نمود و ندبه‌های دلخراش سر داد: «وَا مُحَمَّدَاهُ! بَنَاتُكَ سَبَايَا وَ دُرَيْتُكَ مُقْتَلَةٌ، تَسْفَى عَلَيْهِم رِيحُ الصَّبَا، وَ هَذَا حُسَيْنٌ مُجْزَوْزُ الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا، مَسْلُوبُ الْعِمَامَةِ وَ الرِّدَاءِ...»؛ ای پیامبر! اینان دختران شمايند که به اسیری می‌روند. اینان فرزندان شمايند که با بدن‌های خونین، روی زمین افتاده‌اند و باد صبا بر پیکر آنان می‌وزد! ای رسول خدا! این حسین است که سرش را از قفا بریده‌اند و عبا و ردایش را به غارت برده‌اند.

سخن‌ها و ناله‌های حضرت زینب علیه السلام دوست و دشمن را تحت تأثیر قرار داد و همگان را به گریه واداشت. در واقع، انقلاب دیگری در ادامه نهضت امام حسین علیه السلام توسط حضرت زینب علیه السلام، از همین جا آغاز شد و ایشان سخنان خویش را - در حالی که حتی دشمنان را منقلب کرد - خطاب به مادرش فاطمه زهرا علیه السلام چنین ادامه داد: ای مادر داغ‌دیده! ای دختر پیامبر! به کربلا نگاه کن! حسین را با سر بریده و دخترانت را با خیمه‌های غارت شده و سوخته بنگر! مادر! ببین دخترانت را کتک می‌زنند! (قائدی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۶)

مادرم! این حسین است که در خون غلتیده، او را تشنه شهید کرده و بدنش را با نیزه‌ها و سم اسبان سوراخ سوراخ کرده‌اند. اینان مورد ظلم حرام‌زادگان و آزادشدگان پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته‌اند.

اهمیت خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

۱. احاطه و تسلط بر کلام و شیوایی بیان ایشان به قدری بود که بعضی گمان می‌بردند که علی علیه السلام سخن می‌گوید. (شادی دولایی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳)
۲. معرفی مردم کوفه و بیان عنصر شخصیتی آنان نشان‌دهنده عمق شناخت زینب علیها السلام نسبت به جامعه و عوامل رکود آنان است که این جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی نیز میراثی است از پدرش علی علیه السلام.
۳. بیان آثار و پیامدهای جنایتی که دشمن در کربلا بر خاندان پیامبر روا داشت و بیان عظمت آن، مردم را بیشتر به عمق این جنایت واقف ساخت و موجب روشنی و تنبه آنان گردید، آنها را به مبارزه علیه دشمنان برانگیخت و منجر به قیام‌هایی شد که طومار بنی امیه را در هم پیچید. (همان، ص ۱۴۳)
۴. خطبه زینب علیها السلام از جهات مختلفی حایز اهمیت است؛ چراکه از سوی زنی است که اسیر و داغ‌دیده است، و در عین حال، در برابر هجوم دشمن خونخوار است. سر بریده برادر و دیگر عزیزانش در مقابل اوست، آنها را می‌بیند و با غمی جانکاه سخن می‌گوید؛ و از سوی دیگر، او باید به گونه‌ای عمل نماید که هجوم جدیدی را برای اسیران نیافریند و آنها را در معرض ضرب و شتم جدید قرار ندهد و این گوشه‌ای از پیام عاشورایی زینب علیها السلام است. (عالمی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۹-۲۶۰)

صفات و ویژگی‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام

در ذیل، به برخی از ویژگی‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام اشاره می‌شود:

۱. گذشت و ایثار در راه خدا؛
۲. تکلیف‌گرایی و رساندن پیام شهیدان زنده اما خاموش؛
۳. ولایت‌مداری و حمایت از ولایت و رهبری؛
۴. ارائه الگوی تربیتی کامل در مکتب اسلام و شیعه؛
۵. پاس‌داری از گوهر عفاف و حجاب؛
۶. صبر و مقاومت در برابر سختی‌ها؛
۷. شجاعت و رشادت در راه دین و حق؛
۸. تعهد و روحیه مبارزه اجتماعی و حضور در صحنه؛
۹. حمایت از ارزش‌ها، و افشاگری؛
۱۰. پرستاری از زنان و بیماران.

خطبه افشای ماهیت یزیدیان

هدف نهضت و قیام حسینی برانگیختن حساسیت دینی و مذهبی مسلمانان و بیدار کردن وجدان‌های خفته آنان بود. ابن زیاد برای اهانت به حسین بزرگ و اعلام پیروزی یزیدیان، گروهی از بزرگان و اشراف کوفه و جمع بسیاری از مردم این شهر را در دارالاماره پر از نیرنگ گرد آورد، اما به مأموران امنیتی شهر دستور داد از سرهای شهدای کربلا که بر فراز نیزه‌ها قرار داشت و در گوشه و کنار صحن دارالاماره قرار داده شده بود محافظت نمایند. اما زهی خیال باطل! زینب قهرمان پس از ورود به صحن دارالاماره کوفه و پاسخ‌های دندان‌شکن که به سؤالات آن مرد پلید داد، ماهیت یزیدیان خونریز را افشا کرد، به گونه‌ای که تاریخ

می‌گوید: ابن زیاد بعدها از برپایی چنین مجلسی اظهار پشیمانی می‌کرد؛ زیرا آن مجلس برای خاندان رسالت عزت و سرافرازی به همراه داشت و ذلت و خواری یزیدیان را سبب شد. در قصر کوفه، ابن زیاد رو به زینب قهرمان کرد و گفت: خدا را شکر می‌کنم که شما را رسوا کرد و شما را کشت و دروغ تازه شما را برملا ساخت. ولی این سخن کفرآمیز را از روی غرور و مستی پیروزی بر زبان جاری کرد، وگرنه خاندان رسول گران قدر اسلام هرگز دروغ نگفته بودند، چه رسد به دروغ تازه ... دروغ ایشان آن بود که می‌گفتند ما عترت «محمد رسول الله» هستیم.

زینب قهرمان برای در هم کوبیدن ابن زیاد و اعیان و اشراف کوفه به پا خاست و بی‌درنگ با صدایی رسا گفت: سپاس خداوندی را سزااست که ما را به وجود محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشت و ما را پاک و پیراسته گردانید؛ نه چنان است که تو می‌گویی، بلکه تبهکار رسوا و بدکار تکذیب می‌شود. ابن زیاد گفت: کار خود را با خاندانت چگونه دیدید؟ دختر قهرمان علی در جواب ابن زیاد گفت: ما چیزی برخلاف میل و رغبت خویش ندیده‌ایم، اینان که از ما به شهادت رسیده‌اند مردمی بودند که خدا شهادت برایشان نوشته بود و به تعبیر دیگر، آن را شایسته این افتخار و عظمت شناخته بود؛ پس در پی این افتخار به آرامگاه خویش رفتند. به زودی خداوند آنان و تو را فراهم می‌آورد، اما در پیشگاهش برهان آورید و از او داوری خواهید. نگاه کن در آن روز، پیروزی و رستگاری از آن کیست؟ مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه! (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۳۱) حضرت زینب با نهایت شجاعت و استقامت در برابر امویان ایستاد و در کمال جرئت و شهامت به آنها پاسخ داد: خدا را شکر می‌کنم که افتخار شهادت را نصیب ما کرد، خدا را شکر می‌کنم که این تاج افتخار را بر سر برادر من گذاشت، خدا را شکر می‌کنم که ما را

از خاندان نبوت قرار داد. بعد در آخر گفت: انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر و هو غیرنا؛ رسوایی از آن فاسق‌هاست؛ ما در عمرمان دروغ نگفتیم و حادثه دروغ هم به وجود نیاوردیم. دروغ مال فاجر‌هاست. فاسق و فاجر هم ما نیستیم، غیر ماست. یعنی رسوا تویی، دروغگو هم خودت هستی. تمام سخنان زینب درس است؛ این مقدار شهادت و شجاعت و ایمان عملی! این امر به معروف و نهی از منکر است. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۹۶) حضرت زینب در هیچ‌یک از مراحل رسالتش صبر و پایداری خویش را از دست نداد و همچنان استوار باقی بود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: یا همچون مردان بزرگ شکیبا، و یا همچون چهارپایان بی تفاوت باش. (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۴) در کلام حضرت در نهج‌البلاغه در ارزش صبر گفته شده است: ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد (همان، حکمت ۳۱۲) و یا می‌فرماید: شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم ... که مورد آخر آن شکیبایی است: ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی‌سر ارزشی ندارد. (همان، حکمت ۸۲) و در آیات قرآن، به شکیبایی سفارش شده است: «لَمَّا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶)؛ اهل ایمان با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کردند و هرگز بیمناک نشدند و سر در برابر دشمن فرود نیاوردند و راه صبر و ثبات پیش گرفتند که خداوند صابران را دوست دارد.

خطبه زینب علیه السلام، پیام به نسل‌ها

ای یزید! وقتی یک ستمگر چون تو بی‌گناهان را به قتل می‌رساند و به خود می‌گوید که آنها مرده‌اند و اموات زنده نخواهند شد تا اینکه بتوانند از من انتقام بگیرند و هیچ‌کس قدرت آن را ندارد که خوشی و کامرانی مرا از بین ببرد، غافل از

این است که یک مظلوم وقتی به قتل می‌رسد اگر در نظر مردم مرده باشد نزد خداوند مرده نیست و مظلومی که در راه خدا کشته شد پیوسته در نزد خداوند زنده می‌باشد. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.» (آل عمران: ۱۶۹) این کلام خداوند است و تو نمی‌توانی منکر این کلام شوی، مگر اینکه مسلمانی خود را انکار کنی؛ اگرچه تو مسلمان نیستی و اگر مسلمان بودی فرزند پیامبر خود را به قتل نمی‌رسانیدی و افراد خاندانش را اسیر نمی‌کردی، ولی با اینکه مسلمان نیستی جرئت نداری که به کفر خود اعتراف نمایی و به ظاهر خود را مسلمان جلوه می‌دهی؛ چون ثروت و کامرانی تو وابسته به این است که مردم تو را مسلمان بدانند و اگر مسلمان نباشی نمی‌توانی بر مسلمانان حکومت کنی... ای یزید! من نمی‌توانم از تو که تمام مردان ما را به قتل رسانیدی نزد خداوند شکایتی نداشته باشم، بلکه علاوه بر شکایت من به خداوند، از تو شکایتی است که دین اسلام و عموم مسلمانان از تو نزد خداوند می‌کنند. شاکی از تو فقط نیستیم، بلکه ذات دیانت اسلام و هرکس که دارای این دین می‌باشد از تو شاکی است. تو نخواهی توانست که خود را در قبال شکایت امت اسلام تبرئه نمایی ... ای پسر معاویه! شکایتی که مردم از تو نزد خداوند دارند، یکی این است که تو نوه پیغمبر اسلام را به قتل رسانیدی و همراهانش را کشتی و زن‌ها و اطفال دودمان او را اسیر کردی. و دیگر شکایت مسلمانان از تو نزد خداوند این است که تو ظلم را جانشین عدل، و فسق را جانشین زهد، و رشوه گرفتن را جانشین امانت و درست‌کاری حکام نمودی و امروز هر مسلمان که به یک حاکم مراجعه کند یا کارش به یک قاضی بیفتد باید رشوه بدهد و حق داشته باشد و تو ای پسر معاویه! بیت‌المال را که مال تمام مسلمانان است چون مال خود می‌دانی و درآمد بیت‌المال را خود ضبط می‌کنی یا به کسانی که مورد علاقه تو هستند می‌پردازی،

ولی زن‌های بیوه و ایتم شهدای اسلام که پیش از همه مستحق دریافت از بیت‌المال هستند گرسنه می‌مانند ... ای یزید! به خدا سوگند! هرگز یاد ما را نابود نتوانی کرد. پیام الهی وحی را خاموش نتوانی نمود، از فرجام ما آگاه نتوانی شد و ننگ و عار این جفا را از خود دور نتوانی ساخت. خدا را سپاس که آغاز کار ما را با نیک‌بختی و آمرزش گشود و پایان کار ما را شهادت و رحمت قرار داد. از خداوند می‌خواهم که پاداش اخروی خود را بر شهیدان تکمیل کند، بر ثوابشان بیفزاید و ما را جانشینان نیکوی ایشان قرار دهد. همانا او مهربان رحیم است و برای ما بهترین وکیل. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶)

وقتی سخنان با فصاحت و اعجاب‌انگیز دختر قهرمان علی علیه السلام پایان گرفت، کوفیان حاضر در مجلس با بهت و حیرت به پسر معاویه نظر دوختند تا ببینند او چگونه با زینب قهرمان رفتار خواهد کرد. یزید هنوز باورش نمی‌شد که گور خویش را با دستان آلوده‌اش کنده است. او هرچه اندیشید پاسخی پیدا نکرد که در مقابل سخنان زینب قهرمان ابراز دارد. تنها به بیت شعری بسنده کرد که مفهوم‌اش این بود: من آنچه را خواستم انجام دادم و سخنان تو دختر علی برایم چندان اثری ندارد. در این میان، یکی از کوفیان بی‌آزرم که کنار یزید نشسته بود رو به فاطمه علیه السلام دختر امام حسین علیه السلام کرد و با صدای بلند گفت: ای امیرمؤمنان! این زن را به من ببخش. زینب قهرمان با حالت خشمناک فاطمه را در آغوش گرفت و گفت: دخترم! هراسی به خود راه نده، و آن وقت با فریادی بلند گفت: ای مرد شامی بی‌حیا ساکت شو! تو آن قدر پست و زبون هستی که من جوابی به تو ندهم و فقط می‌گویم زهی خیال باطل! نه تو به این زن خواهی رسید و نه یزید. یزید از این حرف دختر قهرمان علی علیه السلام خشمگین شد و گفت: به خدا، این کار حق من است و اگر بخواهم انجام بدهم داد! زینب قهرمان صدایش را رساتر کرد

و گفت: هرگز! به خدا، خداوند این حق را به تو نداده و نتوانی به این خواسته‌ات جامه عمل بپوشانی، مگر از دین و آیین ما برون شوی و به دینی جز اسلام بگروی. یزید از خشم به هیجان آمد و گفت: با من چنین سخن می‌گویی؟ آنکه از دین برون شد پدرت بود و برادرت. زینب قهرمان گفت: تو و پدرت به دین خدا و دین پدرم و دین برادرم و دین جدم هدایت یافتید. یزید گفت: ای دشمن خدا دروغ می‌گویی. زینب قهرمان گفت: تو امیر مقتدری، به ناحق دشنام می‌دهی و با قدرت خویش زور می‌گویی! (همان، ص ۲۵۶)

یزید دیگر پاسخی به دختر قهرمان علی علیه السلام نداد و پس از آن، مرد شامی درخواست خود را تکرار کرد و گفت: ای امیر مؤمنان، این دختر را به من بده. یزید به مرد شامی گفت: خداوند مرگت دهد.

در طی قرن‌ها و دوره‌های گوناگون، محققان و اندیشمندان ملل مختلف جهان درباره بیانات کوبنده و تاریخ‌ساز حضرت زینب در برابر یزید تحلیل‌های بسیار نوشته‌اند. آنان همگی بر این اعتقادند که سخنان با فصاحت حضرت زینب مردم شام را با حقیقت اسلام آشنا ساخت و نمایندگان و بازرگانان و سفرای دولت‌های غیرعرب که در آن جلسه‌ها حضور داشتند به حرکت‌های ناشایست امویان پی بردند و از منظری دیگر، سخنان دختر قهرمان علی علیه السلام زمینه را برای انقلاب مردم مدینه و مکه و دیگر شهرهای اسلامی فراهم آورد. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶)

بنا به گفته برخی از مورخان اهل سنت، لحن نطق زینب در یزید مؤثر واقع شد و از قتل امام حسین علیه السلام و یارانش ابراز پشیمانی نمود و در این فکر بود که چگونه فاجعه قتل حسین و یارانش را جبران نماید. از این‌رو، نطق زینب را قطع نکرد و به او آزار نرسانید و اسیران را آزاد کرد. در نطق زینب دو اثر به ظاهر

متضاد وجود داشت: یکی مناعت و دیگری مظلومیت. وقتی آدمی از روی مناعت سخن می‌گوید جنبه مظلومیتش پنهان می‌ماند و آنهایی که گفته‌اش را می‌شنوند و او را می‌بینند وی را یک مظلوم به شمار نمی‌آورند و وقتی شخصی از روی مظلومیت حرف می‌زند لحن مناعت در سخنش وجود ندارد. اما زینب به گونه‌ای سخن می‌گفت که حضار، از جمله خلیفه اموی، مظلومیت و مناعت او - هر دو - را احساس می‌کردند و این، کمال تسلط در صحبت کردن است که ناطق بتواند دو چیز متضاد را در کلام خود بگنجانند و هر دو در شنونده واقع شود. (سالارزایی، ۱۳۸۷، ص ۹۹)

مورّخان اسلامی می‌گویند: همان نطق زینب بود که سبب شد عده‌ای به خون‌خواهی حسین علیه السلام برخیزند و انتقام خون او را از قاتلانش بگیرند. فضل بن عباس (بیعه) از بزرگان مدینه، در روزی که زینب دختر علی علیه السلام در مجلس یزید سخن می‌گفت در آن مجلس حاضر بود و به احتمال زیاد آنچه او را وادار کرد که بعد از مراجعه به مدینه عَلم شورش را برافرازد و مردم شهر را بر یزید بشوراند و حاکم یزید را از مدینه اخراج کند، نطق زینب بود. منطق زینب، دختر علی بن ابی‌طالب علیه السلام به گونه‌ای پایه‌های حکومت اموی را متزلزل کرد که فرمانده قشون یزید به محض شنیدن خبر مرگ او، نه تنها دست از محاصره مکه کشید، بلکه به عبدالله بن زبیر فرمانده شورشیان مکه گفت: اگر تو بخواهی خلیفه شوی من با تو بیعت می‌کنم. اگرچه شورش مختار بن ابوعبیده ثقفی به خون‌خواهی از قاتلان حسین بن علی علیه السلام بعد از مرگ یزید بن معاویه آغاز شد، ولی باز مختار تحت تأثیر نطق زینب قرار گرفته بود. از هنگامی که زینب در مجلس یزید بن معاویه خطابه طولانی خود را آغاز کرد حتی یک بار دچار تردید نشد و مکث نکرد و کلام خود را جز در مواردی که نام خدا را می‌برد و از برادرش و سایر کشتگان

کربلا یاد می‌کرد یا یزید را طرف خطابه قرار می‌داد تکرار ننمود. حتی خطبای بزرگ اگر از روی یادداشت صحبت نکنند دچار تردید می‌شوند و مکث می‌کنند و تکیه کلامشان را بر زبان می‌آورند که نشان می‌دهد دفع‌الوقت می‌کنند، ولی زینب فی‌البداهه صحبت می‌کرد، یک بار مکث نکرد و تکیه کلامی بر زبان نیاورد که نشان دهد درجست‌وجوی چیزی است که باید بگوید و سلیس بودن کلام و توقف نکردن، نشان داد که ناطق توانایی است. (فرشلیبر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱) بر اثر نطق زینب، پایه‌های حکومت اموی متزلزل گردید. به فرمایش علی علیه السلام، انسان شکبیا پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی باشد. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۳)

پیامد خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام که با قلب داغدار سخن می‌گفت و فجایع کربلا را شرح می‌داد، هیجان شدیدی در کوفه ایجاد کرد، و وضع روحی مردم دگرگون شد. به هر روی، حضرت زینب علیها السلام با این خطبه، تبلیغات دروغین بنی‌امیه، که امام معصوم علیه السلام را خارجی معرفی کرده بود، خنثی نمود و مردم کوفه را به خاطر پیمان‌شکنی، از خواب غفلت بیدار ساخت و کوفیان را از کیفر الهی بر حذر داشت و تأثیری را که ریختن خون‌های پاک در نظام هستی می‌گذارد، روشن کرد. سخنان حضرت زینب علیها السلام مانند صیحه آسمانی، محیط کوفه را فراگرفت. ایشان فاجعه کربلا را، که با دست همان مردم بی‌فضیلت انجام یافته بود، بی‌پرده بیان داشت و آنان را سخت نکوهش کرد تا ابن زیاد نتواند حقایق تلخ عاشورا و ماهیت قیام حسین علیه السلام را منحرف سازد. (عودی، ۱۳۸۵، ص ۸)

در پایان خطبه، آشوب شهر و قیام علیه حکومت احساس می‌شد، بلکه در پی این خطبه، هیجانی به وجود آمد که دیگر آرام نشد تا سرانجام، مردم گرد مختار

آمدند و دست به انقلابی زدند که فرزند زیاد و همه شرکت‌کنندگان در جنایت کربلا را فراگرفت و آنها را به دست انتقام سپرد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۶)

بانوی بزرگ کربلا تا اینجا وظیفه بنیادین خویش را در پاس‌داری از نهضت، به خوبی به انجام رساند و با ایراد خطابه آتشین در اجتماع مردم و سخنان کوبنده‌اش در برابر ابن زیاد، به خوبی توانست مسیر قیام خونین کربلا را از دستبرد حکومت امویان حفظ کند و افکار کوفیان را برای گرفتن انتقام از مسببان آن حادثه آماده سازد. سخنان حضرت زینب علیها السلام لرزه بر اندام ابن زیاد افکند و بر مردم کوفه اثری عمیق گذارد و خاندان اموی را رسوا ساخت. هنگام نماز ظهر در حالی که مؤذن اذان می‌گفت، عبیدالله دستور داد اهل بیت علیهم السلام را زندانی کنند. خطابه حضرت زینب علیها السلام و نیز سخنان امام سجاد علیه السلام و امّ کلثوم و فاطمه بنت الحسین در کوفه و دارالاماره و نیز اعتراض‌های عبدالله بن عقیف ازدی و زید بن ارقم، به مردم کوفه جرئت بخشید و زمینه قیام برضد حکومت ظلم را فراهم ساخت و همان‌گونه که حضرت زینب علیها السلام در خطبه خود برای کوفیان، تباهی دنیا و آخرت بنی‌امیه را وعده داده بود، به زودی در زمانی کوتاه، قاتلان امام حسین علیه السلام از جمله عبیدالله بن زیاد به قتل رسیدند؛ چراکه عراقی‌ها پس از سخنان شورانگیز حضرت زینب علیها السلام سخت پشیمان شدند و در فکر چاره رفع ننگ کشتن خاندان پیامبر برآمدند و با جنب و جوش‌های تازه علیه امویان، سرانجام به دور مختار گرد آمدند.

خطبه منطقی و آتشین حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید، حاضران را سخت تحت تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که یزید از روی ناچاری نسبت به حضرت زینب علیها السلام و زین‌العابدین علیه السلام و بازمانگان اهل بیت علیهم السلام اندکی نرمش و انعطاف نشان داد. بدین دلیل، از هرگونه واکنش سخت پرهیز نمود.

در هر صورت، مرحله دوم نهضت حسینی توسط زینب کبری علیها السلام رهبری و هدایت شد. آن مخدّره آنچه را لازم و گفتنی بود در خطبه کوفه و شام بیان داشت و با خطبه امام سجّاد علیه السلام، رسالت آنان کامل شد و فرزند معاویه چنان در تنگنا قرار گرفت که در ظاهر، پشیمان گردید و جنایت و قتل امام حسین علیه السلام را به گردن ابن زیاد انداخت و او را در مجلس خود لعنت کرد و گفت: من به قتل حسین علیه السلام فرمان نداده بودم، ابن زیاد این کار را انجام داد. آری، حضرت زینب علیها السلام و کاروان وی در مدت کوتاهی توانستند آنچنان افکار مردم را تکان دهند که یزید مجبور شد هنگام خارج شدن ایشان از شام، رفتاری انجام دهد که مخالف رفتارشان هنگام ورود اسیران بود.

با اینکه ویژگی‌هایی نظیر عزت نفس و اقتدار، حاصل تربیت است و بذر آن باید از بدو تولد در وجود کودک نهاده شود، عوامل چندی استوارکننده عزت در ساختار شخصیت انسان به شمار می‌روند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: توکل و اتصال به سرچشمه عزت و اقتدار، صبر در مصائب، شجاعت، حق‌گرایی و بی‌نیازی جستن از خلق. حضرت زینب علیها السلام ضمن صبر در مصائب و بی‌نیازی جستن از خلق در سخت‌ترین شرایط، به الگوی عزت و اقتدار مبدل گردید.

(بدیعیان و میرشاه جعفری، ۱۳۸۸، ص ۲۲-۲۳)

در این خطبه‌ها موارد ذیل حایز اهمیت است:

۱. سکوت بعضی از مردم کوفه از یک سو و همراهی برخی دیگر با این جنایت از سوی دیگر، محکوم گردیده و تأکید شده است که کوفیان با سکوت در برابر ظلم، عذاب جاودانه را برای خود خریدند.

۲. کوفیان با ترک مسیر حق و گزینش دولت باطل، خواری و بیچارگی را برای

خود رقم زدند.

۳. مصیبت کربلا و حوادث طاقت‌فرسای آن فراموش نشدنی است و سرآغاز بحران‌هایی است که شرّ آن دامنگیر همه مردم کوفه و سایر ظالمان خواهد شد و آنان را از هر نوع خیر و برکت محروم خواهد کرد. (حسینی اجداد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴)

نکات تربیتی خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام

از تحلیل خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام نکات تربیتی ذیل را می‌توان استخراج نمود:

۱. زینب علیها السلام فردی متدین، آگاه به علوم و امور زمانه است.
۲. شیوه تربیتی زینب علیها السلام شیوه قرآن است که در منطق خود کار یک نسل را به نسل دیگر نسبت می‌دهد. (بادران، ۱۳۸۷، ص ۵۱)
۳. در شدیدترین مصیبت‌ها، نباید ناامید و از یاد خدا غافل بود.
۴. باید به زن عزت داد و پای او را به شرکت در مسائل اجتماعی و سیاسی فراهم آورد و حقوق شهروندی را احیا کرد.
۵. شیوه تربیتی زینب علیها السلام راه بیداری دل‌هاست؛ همان ودیعه الهی که انسان‌ها را ذاتاً مدافع حق و حقیقت ساخته است. (همان)
۶. بیان حقایق و بازگویی سنن الهی، تثبیت جایگاه اهل بیت و دفاع از اصول و ارزش‌ها بر مسلمانان واجب است.
۷. شجاعت در نطق و بلاغت در کلام را هیچ نباید از دست داد.
۸. حتی در اعتراضات توفنده نیز نباید از اعتدال خارج شد.
۹. روش تعلیم و تربیت در سیره و مکتب زینب علیها السلام از روش اهل بیت و انبیای الهی و به ویژه برادرش حسین علیه السلام جدا نیست.
۱۰. مدیریت بحران و مهار چندجانبه مصیبت‌ها (تجهیز و تدفین،

مریض‌داری، پیام‌رسانی، یتیم‌نوازی و ... مختص مردان نیست.

۱۱. موقعیت سنجی، موج‌آفرینی و بیان و تفهیم شرایط حاکم و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف خواص و عموم مردم است.

۱۲. در انجام رسالت‌های انسانی فرقی بین زنان و مردان نیست. (سالارزایی،

۱۳۸۷، ص ۹۹)

۱۳. عفو کردن در اوج اقتدار زیباست.

راه کارهای تربیتی

از خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام می‌توان در برنامه‌های تربیتی چنین استفاده کرد:

۱. دانش‌آموزان باید همواره با ذهن باز و پویا و تحلیلگر خود، مسائل را در عین ارتباط با هم، تحلیل نمایند و همواره به عنوان یک سرباز در کلاس درس حضور یابند؛ همانند حضور فرزندان زینب در مکتب کربلا برای خدمت به بشریت.

۲. کلام زینب به گونه‌ای بود که علاوه بر دربر داشتن تمام حرف‌های لازم، دارای سبکی شیوا و رسا بود. در واقع، این کلام بار ارزشی محتوا را بالا برده و بدین طریق، توجه شنونده را به گوینده بیشتر جلب نموده است. و این می‌تواند الگویی باشد برای شیوه آموزشی معلمان و مدرسان تربیتی در هنگام تعلیم و تربیت. در خطبه افشای ماهیت یزیدیان، می‌توان این برداشت را برای معلمان صورت داد که آنها شاگردان را به جست‌وجوی پویای حقایق از لابه‌لا و زوایای تاریخ ترغیب نمایند.

۳. حضرت زینب علیها السلام در خطبه خود، با استفاده از توصیف و تشبیه افعال (مثلاً: زنی رشته باف را مانید)، شخصیت افراد را با استفاده از تشبیه در نزد آنها

مجسم کرده و در واقع، به شیوه‌ای از تفکر انتقادی رفتار نموده است. از این روش می‌توان در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان استفاده نمود.

۴. با تأکید بر محتوای خطبه پیام زینب علیها السلام به آیندگان، می‌توان این شیوه را هسته برنامه درسی قرار داد؛ همان‌گونه که زینب علیها السلام از طریق رویارویی و الگوی تفکر و تفحص قرار می‌داد.

۵. با توجه به میراثی که از زینب علیها السلام مانده و مبارزه‌هایی که از اندیشه‌ها و استراتژی‌های خاص آن حضرت است، زنان ما باید بیاموزند که چگونه می‌توان بین عبادت و لذت پیوند برقرار کرد و چگونه می‌توان در عین حضور اجتماعی و سیاسی، به پوشش و عفاف خود عنایت داشت و چگونه می‌توان در جو زمانی نامناسب هدف و موقعیت خود را فراموش نکرد و از حقوق شهروندی خود دفاع نمود.

۶. الگوآفرینی در مدارس و ترویج فرهنگ زینبی بودن؛ باید در بین دانش‌آموزان، حضرت زینب به عنوان یک بانوی سیاسی تمام عیار و محجبه مورد توجه قرار گیرد.

۷. باید خطبه‌ها و سخنرانی‌های زینب علیها السلام به عنوان یک مکتب اعتراض اسلامی و حق‌طلبانه، در مدارس اشاعه یابد.

نتیجه

امروزه بر زنان مسلمان و فداکار لازم است تا با حفظ عفت و پاکدامنی خود، پیام آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی نهضت حسینی را به همه انسان‌ها برسانند و با حفظ یاد و خاطره شهیدان کربلا در جامعه و حضور در صحنه‌های سیاسی در مواقع مناسب و لازم، روحیه ظلم‌ستیزی و مبارزه با بی‌عدالتی و فحشا و منکرات را در جامعه زنده نگه‌دارند.

حضرت زینب علیها السلام افزون بر ویژگی‌ها و فضیلت‌های شخصیتی، که از خاندان وحی به ارث برده بود، در به ثمر رساندن نهضت عاشورا، نقش فوق‌العاده داشت. او پس از عاشورا، در کنار سرپرستی اسیران و حفظ جان امام سجاد علیه السلام از خطرهای توانست انقلاب حسینی را با تحمل زحمت‌های فراوان به پیروزی نهایی برساند. وی در انجام رسالت خویش، با صلابت و استواری ایستاد تا آیین پیامبر صلی الله علیه و آله و انقلاب کربلا دستخوش تحریف نگردد. هنگام ورود اسیران به کوفه، نخست مردم با شادمانی به استقبال اسیران آمدند، ولی حضرت زینب علیها السلام با سخنان آتشین خود، اوضاع را دگرگون ساخت و کوفیان غرق ماتم شدند. او با کلمات ملکوتی، هم کوفیان را متوجه جنایتشان نمود و هم ماهیت قیام را روشن ساخت. انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام، با قیام مختار، رهاورد بیدارگری حضرت زینب علیها السلام بود که خشم مردم را بر ضد حکومت برانگیخت. همچنین حضرت زینب علیها السلام با نهیب خویش در کاخ عبیدالله، وی را تحقیر کرد و ماهیت انقلاب را نیز از دستبرد آن ناپاک حفظ نمود. هنگام ورود کاروان حسینی به شام، شهر غرق در شادی بود. یزید مجلسی از سران کشوری و لشکری ترتیب داد. او با دیدن آل پیامبر، از سر غرور، بر لب و دندان امام حسین علیه السلام جسارت نمود؛ ولی حضرت زینب علیها السلام چنان خطبه‌ای منطقی و جانکاه ایراد کرد که یزید با سرافکندگی و از روی ناچاری، قتل سیدالشهداء علیه السلام را بر گردن ابن زیاد انداخت. سخنان حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید و سپس خطبه امام سجاد علیه السلام، اوضاع دمشق را دگرگون کرد و بغض شامیان را به دوستی خاندان پیامبر و نفرت از یزید مبدل ساخت؛ فرجامی که هرگز انتظار آن نمی‌رفت. آری، حضرت زینب علیها السلام این‌گونه نقش خویش را در پیام‌رسانی نهضت حسینی ایفا نمود و در پایان، سرافراز و پیروزمندانه، اما عزادار در سوگ عزیزان، به مدینه بازگشت.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. اسلامی، احمد؛ نگاهی نو به دیدگاه ائمه؛ تهران: میثم تمار، ۱۳۷۸.
۲. بادران، مهناز؛ «تحلیل محتوا و ساختار ادبی و معنوی خطبه‌های حضرت زینب (علیها السلام)»؛ همایش حضرت زینب (علیها السلام)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، اردیبهشت ۱۳۸۷.
۳. بدیعیان، راضیه و سیدابراهیم میرشاه جعفری؛ «عزت مداری در حادثه عاشورا و تبلور در سیره حضرت زینب (علیها السلام)؛ فصلنامه سفینه، (ویژه حضرت زینب (علیها السلام))، سال ششم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۸.
۴. بنت‌الشاطی، عایشه؛ زینب بانوی قهرمان کربلا؛ ترجمه حبیب چایچیان و مهدی آیت‌الله نائینی؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۵. تقی‌زاده انصاری، بدر؛ زینب بانوی ماندگار تاریخ؛ تهران: علوم روز، ۱۳۸۳.
۶. حسینی اجداد، اسماعیل؛ «تجزیه و تحلیل ادبی خطبه‌های حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه»؛ فصلنامه سفینه، (ویژه حضرت زینب (علیها السلام))، سال ششم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۸.
۷. دلشادتهرانی، مصطفی؛ مدرسه حسینی؛ تهران: دریا، ۱۳۸۱.
۸. سالارزایی، امیرحمزه؛ «خطبه زینب کبری، مکمل قیام عاشورا»؛ همایش حضرت زینب (علیها السلام)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، اردیبهشت ۱۳۸۷.
۹. شادی دولایی، فاطمه؛ «تحلیل خطبه‌های زینب کبری (علیها السلام)»؛ مجله منهاج، سال پنجم، شماره هشتم، (ویژه نامه حضرت زینب (علیها السلام))، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۱۰. شریعتی، علی؛ تشیع علوی و تشیع صفوی؛ تهران: انتشارات نون والقلم یسپرون، ۱۳۵۲.
۱۱. عالمی، محمدعلی؛ آنچه در کربلا گذشت؛ تهران: هاد، ۱۳۸۱.
۱۲. عودی، ستار؛ «سیره تربیتی حضرت زهرا»؛ روزنامه قدس، ۷ تیر، ۱۳۸۵.
۱۳. فرشلیز، کوری؛ امام حسین و ایران؛ ترجمه ذبیح‌الله منصوری؛ تهران: جاویدان، ۱۳۸۱.
۱۴. قائمی، علی؛ زندگانی حضرت زینب؛ تهران: امیری، ۱۳۶۹.
۱۵. مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۶.
۱۶. _____؛ حماسه حسینی؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۴.